

زن و مرد؛ دو موجود مساوی و نامساوی!

پلک زدن در باره همجنسان خود سخن میگوید

ما هر قدر ادعای مساوی می‌کنیم با کسی هستیم که در بعضی موارد با ما مرد مساوی نیستیم و هر چند مرد مساوی عدم تساوی به نفع شووان است و باید پسر در مقابل و عام حتی در مقابل قوانین یا مرد مساوی شده با نافع همشود و در نتیجه می‌رسیم .

زن با اشراف دوران قاعدگی دارد ولی مرد در دوره زن از پدر و مادر جدا می‌شود و به بیگانه شهر می‌رود و در بدین پله وارد دنیای جدید می‌شود . اما در این پله زن از خود می‌برد و در بدین پله وضع حمل و آلودگی با این دوران از او دور ولی مرد از زنان دردی نمی‌کشد و این آلودگی را ندارد .

گذشته از عدم تساوی در خلقت و در مقابل مقررات منزه ، اساساً در قوانین دیگر هم مواردی داریم که زن با مرد مساوی نیست و نباید خواهان تساوی باشد .

مثلاً ماده ۴۳۳ قانون مجازات عمومی در حق زن حسی با اعمال ناقص حکم عدم جاری نمی‌کند و به همین جهت تبدیل کرده است به سکر حسی که برای قتل عمد سائر شده باشد و مواد ۶۴ و ۶۳ و ۶۲ قانون کثیر همگانی بین مرد و زن تفاوت گذاشته است و همین از تمام خواهران عزیز استماع کنیم که لفظ ای مساوات مطلق جوش از تنه و خیال ننگنه کمبود ادویا و امریکا زن و مرد در تمام موارد و مسائل و حقوق و امتیازات با مردان تساوی دارند و با این تساوی مطلق امکان پذیر و بر سره و صلاح زن است .

در انگلستان زنان اختصاص بر حکار حتی زنان قانوناً گم مردان خود را بنا بر عهد و محفی نماید و با مردین را همراه کند و دروغ بگوید مجرم یا معاون جرم و قابل تعقیب شناخته نمیشوند ولی اگر شوهری برن شود این گونه که کند تا کند حداقل مجازات کتمان جرم و محفی کردن مجرم و حداقل محکومیت همان مرد را دارد .

در انگلستان زنان مشمول عنوان توطئه یا شوهران خود نمیشوند زیرا قانون زن و شوهر را بمنزله پسر نظر محسوب میدارد و اگر راضی یا بخود زن را اصلاح حساب نمی آورد و میگوید شخص واحد نمیتواند توطئه کند و خواهسته زن شوهر را از لحاظ اشتیاق عمومی از او جدا می‌شاند ، و پسر اگر زوجهی بیعت کند با کسی دیگر بر خلاف قانون توطئه کنند ، زن و شوهر را میتوان با اتفاق در تمام اتهام توطئه یا کینه کرد ولی سلفترنده شرح حساب میشوند و هنگام صدور رأی برای بر اثبات این گناه زن داده می‌شود و کفایت می‌کند ؛ بوسیله قانون تمام ملی موجب ۱۹۴۱ هر زن اعم از وفادار یا بیوفای با فقیر یا بدار صورت نیاز زوج هر حد در استان و مشورت از شوهر خود نمی‌کند ، (منع طلاق را محدود نظر بگیرند) و هر زنی که زانی یا کار سود آوری داشته باشد و با این تکلیفی اثنالی کند و زنه زندان می‌دهد ولی در اسلام

نقل و کون و کلیه بی‌زنده زندگی میدهد مرد است .

هنوز قانون مدنی فرانسه زن شوهر را در صبر و محتاج قیمت مرد میدانند ولی اسلام در چهارده قرن قبل زمان را آن لحاظ داد که مستقیماً امور مالی خویش را اداره کنند و اگر او را در کار مردان معاشه ندادند ، از این نظر است که زن را نالایق میدانند بلکه قاعده تقسیم کار و تخصص که طبیعت بر اعتدال نیست بکارهای اختصاصی او (حمل ، وضع حمل ، خانه داری و پرورش فرزند) قابل اعتماد است این بود اقتضای طبیعت ، زیرا زن بمنزله قلب اجتماع است که اگر از کار اصلی خود بازماند و بایستد و بطنه طبعی خود عمل نکنند مثل این است که از قلب کار دست بیاورد یا عضو دیگر را بخوابد ، با اهمیت و وظیفه اسلیش اعتنا نکنیم .

اسلام میخواهد که پشت در نا ووضن دوست بجای این که وظایف اصلی خود را که اداره خانه ، تربیت فرزند شوهر ، تولید نسل و پرورش فرزندانست بگذارد قیافه مردانه بگیرد ، ادعای مردی و تساوی کند و برای امر از مقام مردانه تلاش نماید و بعنوان علمدار آزادی در جنگ و صلح و در احیای اسباب و احساسات خود را در دور در اعناق معادن پاکار آتش کوره‌ها با اعمال شاقه بر آوردند و در خدمت اصلی خود را در محیط شوهر و فرزند و خانواده بندگی شامع و با هم آرزای دنبال پرسند و کارگری ، راهی و مسیر کل ، با خدمات ناچیز و نالایق بندگی را تحقق بخشند بجای اینها ، حتی کند که مردان لایق به جامعه بدهد ، فرزندان پرورشند تربیت کنند و مادران سال سندی فرودوس ؛ بکارهای با پاسنور و بنا بر ایت شود .

خوشبختانه با وجود آزادی و استقلال مالی زن در اسلام و این که بر خلاف قانون ۱۸۵۷ پارلمان انگلستان که میبرد حق ارتزاق اندازاری زن داده است و بر خلاف قانون ۱۹۴۸ آن کشور که میتوانند را بعنوان تمام عدم انفال شوهر با داشته و زندانی کرد بدون هیچگونه تکلیف قانونی این فعالیت اختلاقی را هنوز با شرفیان داریم که از روی عواطف و احساسات عالی انسانی و در سایه طبیعت شایسته زناشویی در تمام لذایذ و مشقات زندگی با شوهران خود شریکیم و اهل مازان در سلمان مخصوصاً در ایران زمام مقدرات و امور مالی خود را بدست شوهر سپرده و تابعین بگو گرفته ایم و این تبعیت و حسن سلوک ناشی از طهارت عناصر و ارکان و بینان ازدواج سالم و بلاغ و حسن تقاضا و حین و فارغ از اسباب و الزام قانونی است .

مع الوصف گاهی دیده میشود بدون دقت و مبالغه با از وزن طبعی کور کورانه بعضی از خواهران ما در اثر فریب‌زدگی و فریب خوردن از اسباب و مصلحتی که از دور دیده و از نزدیک چشمپوشیده اند مساوات مطلق می‌طلبند و به سبب چشم دوخته غافل از شنیدن بدست خود برای خود ایجاد زحمت میکنند و سلطنت زن مسلمان را به رفیت ما خود از دیگران می‌فرشند و بیخیال خود آزادی را جستجو میکنند .

کسانیکه آرزو دارند مساوات مطلقه بین زن و مرد یا به فور کلی بر جامعه بشری حکم فرما

شود و آیه‌ای که می‌گویند همه افراد بشر در هوش و استعداد و اخلاق، یکسان و بطور مساوی متولد شده و در اثر تربیت و تقاضای هیئت اجتهادیه از یکدیگر متمایز می‌شوند و راه اصلاح تمام مساوی که مساوی اخلاقی را جزیحاً دار نموده است قطعاً علم و تربیت و اصلاحات نظامات اجتهادیه می‌دانند از عوامل برده‌ای کهست حوادث طبیعت ما این قول و استنباطات بشر ایجاد کرده غفلت می‌کنند و مل دنیا را به پر نگاه می‌دهند.

مخصوصاً در مورد مساوات زن و مرد اگر تفاوت فاحش جنس اناث و مذکور فراموش شود و خواهران من‌روزی با من آرزو نال شوند هیچ مردی ساسی قلمیل و زنه کی نخواهد بود - بشیعه من زنمانند مرد انسان است و در هیچ چیز با مرد فرق ندارد در اعطاء و دریافت اعطاء و احساس و عوامل و فکر و اندیشه از لحاظ آبیلازمه حقیقت‌ساز است زن و مرد شیبه یکدیگرند ولی در آنچه طبیعت خلق اقتضا میکند فرقی دارند و مساوی نیستند.

من از آن تساوی موعود که بدین صورت خلاصه می‌شود « هیچ کس فرمان ندهد و هر کس هر چه می‌خواهد بکند » بر خود می‌لرزم .

من مکر ترقی شگرف زن امروز نیستم و می‌دانم که حتی در آسیای زاینی ارباب تشنه و بسیاری از کارها تمسیر را بطوری انجام می‌دهند که کمترین دی می‌تواند ، و در امور تجارت زاین عهدها در صد کارها در کف کفایت دختران است که با مرد کم رقابت تعدادی زاین را مقهور و میسر ساخته اند ولی تا جاد با دعا و تراوی کهم که زن در وظائف اصلی خود که همانا تشکیل خانواده و تولید و تربیت فرزند و سایر تکالیف اختصاصی است می‌تواند خدمات بیشتر و ارزنده تری بر ایملت و بشریت انجام دهد .

من دقتی بی‌نوم گاهی خانم‌های فرنگی‌ناب مثلاً با این که دختر در اسلام نصف پسر ادت می‌برد اعتراض می‌کنند ولی با اینکه پسر تماماً سز شده اتفاق می‌شود و عملاً بر عکس اتفاق دختر مادام که کشور تکرده باشد برای پدر از این است توجه نمی‌کنند و با انواع حقوق و امتیازاتی که در اسلام به نسوان داده شده آنها نیستند و خیال می‌کنند در اروپا و آمریکا زن در تمام حقوق و شئون با مرد مساوی است از این متأسف می‌قوم که در ایران تربیت را بر تعلیم مقدم نداشته و در تعلیم همسانی دینی و معارف اسلامی را رعایت و تبلیغ نکرده اند تا زن و مرد با هم متران و پسران ما بتوانند حقوق و حدود خود را بشناسند و با دیگران مقایسه کنند و تعلیم و تربیت مقارن‌طوری بوده که اگر دختر با زنی در محیط خانواده از تحقیق و مطالعه آزاد بهره نبرد باشد خیلی عالم نما و پر مدعا با آمده آنچه ضرورت ندارد جذب چشم کرده و از آنچه نهایت ضرورت داشته بر سر است و قدرت و وسیله مقایسه و تطبیق ندارد و بعضی دلیل در آن آب می‌جوید ا

مجله کانون سردفتران بنگل‌خوانانها شماره ۳۴ سال بیست و هفتم